

مقالات و بررسیها، دفتر ۷۳، تابستان ۸۲، ص ۷۳-۸۷

آیه «بسمله»، نزول و تداول

حجت الله آشوری

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

چکیده:

درباره «بسم الله الرحمن الرحيم» عقاید گوناگون ابراز شده. آیا آن را باید یک آیه کامل به شمار آورد؟ آیا عبارتی است که جنبه تقدس یافته و به قرآن افزوده شده است؟ آیا یک بار در قالب آیه نازل شده و در جایهای دیگر قرآن اساساً آیه به شمار نمی آید، آن را چگونه باید در نماز قرائت کرد؟ و اصولاً این آیه چگونه نازل شده است؟ در این گفتار خواسته ایم نشان دهیم که بسمله، با دو کاربرد عاطفی/معنایی یک جا و کامل فرود آمده است، در سوره حمد طلیعه هدایت است و در جایهای دیگر ضمن وفاق و هم آهنگی با اهداف و سیاق هر سوره، پیوسته شأنی از شئون الوهیت و رحمانیت و رحیمیت خدای سبحان را بیان می دارد و آنهمه اختلاف نیز درباره آن زائیده برخی کج رفتاریهای بنی امیه به ویژه معاویه بوده است.

کلید واژه ها: آیه بسم الله الرحمن الرحيم، بسمله، تسمیه، با اسمک اللهم.

آیه «بسم الله الرحمن الرحيم» که آنرا «بسمله و تسمیه» هم نامیده اند، یکی از آیات محکم قرآن کریم است. آیه ای است آموزنده، بیدارگر، تنبه آفرین، با مفهومی شگرف، آموزه ای ژرف، گسترده و عظه تی بی بدیل. روایات در بزرگی، برتری، بل بی همتایی آن فراوان است. این اخبار هم در فرهنگ ادیان توحیدی پیش از اسلام، و هم در سنت رسول خدا(ص) دائر به قداست نام خدا و ضرورت ذکر آن چه مختصر «بسم الله» و چه کامل «بسم الله الرحمن الرحيم» (فخر رازی، ۱/۱۱۰) بشرحی که خواهد آمد در آغاز هر

کاری دیده می شود.

الف - اخبار عهد کهن:

۱- مفاد آیات قرآنی حاکی است که حضرت نوح(ع) کشتی خود را در آن طوفان مهیب و مرگ باری که هیچ جاننداری جز سرنشینان کشتی جان سالم از آن بدر نبرد، با نام خدا «بسم الله» هدایت می کرد (هود / ۴۱).

۲- حضرت سلیمان(ع) نیز در جریان دعوت ملکه سبا به توحید، عبارت «بسم الله الرَّحْمَن الرَّحِيم» را در ابتدای نامه خود ذکر کرده بود (نمل / ۳۰).

۳- خوب است به یک روایت - که شاید چندان هم استوار نباشد - اشاره کنیم: آنجا که موسی(ع) از خودسری فرعون به بارگاه الهی شکایت برد، خداوند به وی فرمود که بر سر خانه او بسم الله نقش بسته و تا چنین است، از عذاب در امان است (قمی نیشابوری، ۷۷/۱؛ فخر رازی، ۱/۱۷۵).

ب - اخبار عهد اسلامی:

در اخبار فرهنگ اسلامی بخصوص کلام معصومین(ع) نیز این نکته روشن تر بیان شده است.

۱- رسول خدا(ص) فرمود: کارهای خود را به نام خدا آغاز کنید، زیرا هر کار مهمی که با «بسمله» شروع نشود عقیم و بی نتیجه خواهد بود (سیوطی، ۱/۳۱؛ بیضاوی، ۱/۶؛ زمخشری، ۱/۲؛ میدی، ۱/۳؛ ابوالفتوح رازی، ۱/۵۰؛ بحرانی، ۱/۴۶).

۲- حسین بن علی(ع) فرمود: همه علوم (اصول و مبانی) کتابهای آسمانی در قرآن و آنچه در قرآن است در سوره فاتحه و آنچه در سوره فاتحه آمده در «بسمله» مندرج است (قمی نیشابوری، ۱/۷۷؛ فخر رازی، ۱/۱۸۴؛ آلوسی، ۱/۳۹؛ سید نعمت الله جزائری، ص ۱۲۸، ۱۳۶).

۳- صفوان جمال از امام صادق(ع) روایت کرده که فرمود: هیچ کتابی از آسمان فرود نیامد مگر اینکه با «بسمله» شروع شده بود (حویزی، ۱/۸۱؛ مجلسی، ۲۰/۸۵؛ سیوطی، الدر المنثور، ۱/۳۱؛ آلوسی، ۱/۳۹).

۴- از امام رضا(ع) پرسیدند کدام آیه قرآن از همه آیات برتر است فرمود: «بسمله» (بحرانی، ۱/۴۲).

آیه «بسمله»، نزول و تداول / ۷۵

۵- دار قطنی از عبدالله بن عمر نقل کرده که رسول خدا(ص) فرمود: «هرگاه جبرئیل با وحی بر من فرود می آمد اولین چیزی که به من القاء می کرد بسمله بود» (سیوطی، الدر المنثور، ۲۶/۱).

شگفتا آیتی که خداوند قرآنش را بدان آغاز کرد و رسولش(ص) چنان قداست و اهمیتی برای آن قایل شد که هر کاری بدون آنرا سترون تلقی کرد از جهات گوناگون مورد مناقشه و اختلاف قرار گرفته است. این اختلاف ها گاه در چگونگی نزول آن و دیگر گاه در جزئیات و عدم جزئیات در سوره ها و بالاخره در چه سانی قرائت آن در نماز رخ نموده است.

در این مقاله می کوشیم با بررسی اخبار رسیده، خاستگاه این اختلاف ها و علل آنها را یافته، به اختصار بیان کنیم، سخن را ابتدا از چگونگی نزول آن آغاز می کنیم.

چگونگی فرود آمدن آیه «بسم الله الرحمن الرحيم»

درباره کیفیت نزول «بسمله» دو دیدگاه مختلف وجود دارد. گروهی بر آنند که این آیه بطور کامل و یکجا از آغاز نزول وحی بر سر هر سوره نازل می شد و این تا پایان زندگی رسول اکرم(ص) ادامه داشت. از ابن عباس نقل است که اولین باری که جبرئیل بر رسول خدا(ص) فرود آمد گفت: ای محمد بگو پناه می برم به خدای شنوا و دانا از شر شیطان رانده شده، سپس گفت: بگو «بسم الله الرحمن الرحيم» (طبری، ۳۸/۱؛ سیوطی، الاتقان، ۷۲/۱ و نیز بنگرید به برقی، ۴۱؛ عیاشی، ۳۴/۱؛ مجلسی، ۵۸/۱۹؛ حویزی، ۶/۱؛ بحرانی، ۴۲/۱؛ اسفراینی، ۴۰/۱؛ قمی نیشابوری، ۷۹/۱؛ واحدی، ۲۰؛ فخر رازی، ۲۰۸۲۰۱/۱؛ ابن عربی، باب ۳۷۶).

گروهی دیگر می گویند این آیه در سه مرحله کاملاً جداگانه بشرح زیر فرود آمده است: مرحله نخست، با انزال آیه ۴۱ سوره هود... قال اركبوا فيها بسم الله مَجْرُئُهَا و مُرْسُئُهَا... آغاز شد زیرا مسلمانان که همانند قریش کارها، بخصوص نوشته های خود را با عبارت «باسمک اللهم» شروع می کردند، پس از نزول آیه مذکور به امر رسول خدا(ص) نوشته های خود را با عبارت «بسم الله» آغاز کردند.

مرحله دوم پس از نزول آیه ۱۱۰ سوره بنی اسرائیل... قل ادعو الله او ادعو

الرحمن... که رسول خدا(ص) فرمود از این پس بجای «بسم الله» عبارت «بسم الله الرحمن» را بکار برند.

مرحله سوم پس از فرود آمدن آیه ۳۰ سوره نمل... انه من سليمان و انه بسم الله الرحمن الرحيم آیه کامل شد و از آن پس این عبارت در ابتدای نوشته‌ها بکار رفت (جزی الکلبی، ۸؛ ابوالفتوح رازی، ۵۹/۱؛ آلوسی، ۳۹/۱؛ فیض کاشانی، ۸۰/۱؛ قرطبی، ۹۲/۱؛ شبیبانی، ۵۷/۱؛ صافی، ۲۳/۱؛ صولی، ۳۱؛ ابن سعد، ۲۳۶/۱). اینک در خصوص عقاید گروه دوم ابتدا شواهدی ذکر کرده سپس آنها را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم:

۱- محمد بن یحیی صولی (د ۳۳۵ق) در این باره می‌نویسد: مردم قریش در زمان جاهلیت نوشته‌های خود را با عبارت «باسمک اللهم» آغاز می‌کردند و رسول خدا(ص) نیز آنرا مانند آنها بکار می‌برد، تا آیه ۴۱ سوره هود نازل شد. پس از آن حضرت فرمودند که در نوشته‌هایش «بسم الله» را بجای عبارت قبلی بکار برند و... (همو، ۳۱).

در بررسی این خبر باید گفت اولاً صولی از طرف برخی از دانشمندان نکوهش شده (مدرس تبریزی، ۴۸/۳؛ زرکلی، ۱۳۶/۷) ثانیاً همه مکاتبات حضرت رسول اکرم(ص) پس از هجرت به مدینه انجام گرفته است در حالی که سوره‌های هود، اسراء و نمل مکی هستند. ثالثاً این خبر ساخته و پرداخته خود صولی است (حسن زاده آملی، ۱۴۴).

۲- ابوالفتوح رازی (د حدود ۵۴۰ق) می‌نویسد: عطاء خراسانی گفته است در جاهلیت عرب چنین بنبشتندی که «باسمک اللهم» رحمان نشناختندی، خدای تعالی رسول(ص) را گفت بگو «بسم الله» وانگه فرمود که رحمان به آن ضم کن، مسیلمه کذاب بیامد و این نام بر خود نهاد و رحمان یمامه شد (درویش، ۱۰). حق تعالی گفت: رحیم به آن ضم کن تا این اسماء مجموعش مرا باشد و... (همو، ۵۹/۱).

اولاً عطاء خراسانی ضعیف است (ذهبی، ۱۴۱/۶) ضمناً در این خبر سخنی از نزول سوره‌های هود و اسراء و نمل بمیان نیامده است، ثانیاً مسیلمه کذاب و ادعای واهی او حادثه‌ای است که در اواخر عمر رسول خدا(ص) اتفاق افتاده است و نمی‌تواند هیچ ارتباطی بین آیه‌ای که دست کم قرن‌ها پیش بطور کامل بر سلیمان(ع) فرود آمده با این داستان برقرار کرد.

۳- قرطبی (۶۷۱دق) می نویسد: شعبی و اعمش از رسول خدا(ص) روایت کرده اند که آن حضرت در آغاز نوشته های خود عبارت «باسمک اللهم» را بکار می برد تا اینکه از طرف خداوند به او امر شد که بجای آن عبارت «بسم الله» را بکار برد و... (همو، ۱/۹۲). این خبر با سایر اخبار اختلاف دارد و حاکی است که رسول خدا(ص) بدون پیروی از راه و رسم مردم قریش بروش خود به امر تبلیغ دین اشتغال داشت تا اینکه از طرف خدا به او امر شد که «بسم الله» را بکار برد.

۴- ابن جزّی الکلبی (۷۴۱دق) می نویسد مردم در نوشته های خودشان عبارت «باسمک اللهم» را بکار می بردند تا اینکه آیه ۴۱ سوره هود نازل شد. پس بجای آن عبارت «بسم الله» را بکار بردند... (همو، ۸). باید گفت این خبر نیز مبهم و پریشان است بدرستی معلوم نیست که چه کسانی چنین عمل می کردند قریش یا مسلمانان.

۵- شیبانی (د اواسط قرن هفتم قمری) می نویسد: آورده اند که رسول خدا(ص) و قریش در روزگار جاهلیت در آغاز نوشته های خویش عبارت «باسمک اللهم» را بکار می بردند تا آیه ۴۱ سوره هود فرود آمد پس رسول خدا(ص) فرمود بجای آن عبارت «بسم الله» را بکار برند... (همو، ۱/۵۷). در نقد این خبر باید گفت: این شیوه از آداب قریش بوده و بعید است که رسول خدا(ص) از روش آنها پیروی کرده باشد. زیرا راه و رسم مسلمانان با مردم قریش (نه سنت ابراهیم و سایر حنفا) مغایر هم بوده و این اختلاف در موارد متعدد از جمله هنگام آشکار شدن دعوت رسول خدا(ص) و اعتراض مشرکین باین امر و درخواست آنها از ابوطالب که: پسر برادرت را دریاب زیرا او خدایان ما را ناسزا گفته و پرستش آنها را مورد عیب و ایراد قرار داده، دانایی و بصیرت ما را ابلهی و گذشتگان ما را گمراه می خواند به اثبات رسیده است (یعقوبی، ۲/۲۴؛ ابن هشام، ۱/۲۸۳).

۶- فیض کاشانی (۱۰۹۱ق) می نویسد: گفته اند قریش در روزگار جاهلیت در اول نوشته های خود عبارت «باسمک اللهم» را بکار می بردند تا آیه ۴۱ سوره هود نازل شد حضرت فرمودند از آن پس بجای آن عبارت «بسم الله» را بکار برند... (همو، ۱/۸۰) در این خبر هم راوی مجهول و در نتیجه ضعیف و مردود است.

۷- آلوسی (۱۲۷۰ق) می نویسد: گفته اند که رسول خدا(ص) در آغاز نوشته هایش

عبارت «باسمك اللهم» را بکار می برد تا اینکه آیه ۴۱ سوره هود فرود آمد پس به کاتبان خویش فرمود که بنویسید «بسم الله»... (همو، ۳۹/۱). می بینیم در متن این خبر از آداب و رسوم قریش حرفی بمیان نیامده و با سایر اخبار اختلاف دارد.

۸ - محمود صافی (زنده در ۱۳۹۹ق) می نویسد: آیه شریفه «بسم الله الرحمن الرحيم» بطور جداگانه در سه بخش طی سه مرحله فرود آمده است. بخش اول آن با آیه ۴۱ سوره هود فرود آمده، بخش دوم با انزال آیه ۱۱۰ سوره بنی اسرائیل و بالاخره با نزول آیه ۳۰ سوره نمل کامل شد... (همو، ۲۳/۱). می بینیم در این خبر از ارتباط میان فرود آمدن «بسمله» و آداب و رسوم جاهلیت سخنی بمیان نیامده و از اسناد حدیث هم چیزی گزارش نشده است.

پیدا است ناهمگونی متون احادیث مذکور، حذف نام و مشخصات راویان، موجبات ضعف و سستی این اخبار و مردود بودن آنها را فراهم ساخته و آنها را از مقام اعتبار ساقط کرده است.

افزون بر اینها اشکالات زیر نیز متوجه این اخبار است.

۱- حدیث اول حاکی است: رسول خدا(ص) که در آغاز کار تبلیغ دین از راه و رسم مردم قریش پیروی می کردند، پس از نزول آیه ۴۱ سوره هود، دستور دادند که بجای «باسمك اللهم» عبارت «بسم الله» را بکار برند و... در نقد و بررسی این خبر باید گفت: قرائن و شواهدی بشرح زیر حاکی است که رسول خدا(ص) در امور تبلیغ دین ضمن مدارا با مشرکین جز از اوامر الهی از کس دیگری پیروی نکرده است.

الف - او در جوانی و پیش از بعثت در سفری که به همراه عمویش ابوطالب به شام رفته بود در بصری با کشیشی بحیرا نام ملاقات کرده است. بحیرا با اطلاعاتی که داشت او را شناخته و درصدد کسب اخبار بیشتر او را به لات و عزی که معبود مردم قریش بودند سوگند داد تا هر چه از او می پرسد درست پاسخ دهد. حضرت فرمودند چیزی منفورتر از این دو نزد من نیست (ابن کثیر، ۱/۲۴۵؛ ابن هشام، ۱/۲۱۶). اگر رسول خدا(ص) پیرو مردم قریش بود چگونه از معبودشان ابراز تفر و انزجار می کرد.

ب - عقیف کندی گفته است: در اوائل بعثت به مکه رفته بودم، روزی با عباس روبروی کعبه نشسته بودیم که جوانی آمد، چشم به آسمان دوخت و آنگاه روبروی کعبه

ایستاد اندکی بعد پسری از راه رسید طرف راست او ایستاد و بعد زنی آمد پشت سر آن دو قرار گرفت. پس آن جوان به رکوع رفت. آن پسر و زن هم رکوع کردند، چون سر برداشت آنان هم سر از رکوع برداشتند، آنگاه او به سجده رفت آن دو نیز سجده کردند به عباس گفتیم امر مهم و غریبی است گفت آری (طبری، ۵۶/۲؛ ابن اثیر، ۴۱۴/۳؛ بخاری، کتاب تاریخ الكبير، ۷۵/۷؛ تستری، ۲۱۳/۷). اگر روش رسول خدا(ص) همانند روش مردم قریش بود چرا رفتار او در منظر مردم بزرگ غریب می نمود.

ج - پس از درگذشت ابوطالب و خدیجه(س) حضرت روزی برای تبلیغ اسلام به طائف رفته بود و چون پس از تلاشی سخت و طاقت فرسا با مخالفت مردم مواجه و با ناکامی آهنگ بازگشت کرد. در سر راه از فرط خستگی کنار دیوار باغی بر زمین نشست. صاحب باغ مقداری انگور توسط غلامی عدّاس نام برای او فرستاد. حضرت با قرائت «بسم الله» شروع به خوردن کردند. عدّاس با شگفتی بسیار از او پرسید که تو کی هستی و این عبارت را چرا بر زبان آوردی زیرا در این سرزمین کس چنین سخنی بر زبان نمی آورد (ابن کثیر، ۵۱/۲؛ ابن هشام، ۶۲/۲؛ یعقوبی، ۳۵۵/۱). می بینیم که روش حضرت نه تنها با راه و رسم مردم قریش ساکن مکه بلکه با سایر مردم غیر مسلمان فرق داشته است. ۲- در حدیث های دوم و سوم آمده است که رسول خدا(ص) به امر خدا، عبارت «بسم الله» و پس از آن «بسم الله الرحمن الرحيم» را بکار برده اند. اولاً متن خبر با متون برخی از اخبار اختلاف دارد. ثانیاً در اخبار قبلی رسول خدا(ص) متهم به پیروی از مردم قریش بود در حالی که در این خبرها او به امر خدا چنین عمل کرده است. علاوه بر آن حدیث سوم در زمرهٔ مرسلات تابعین قرار دارد.

۳- در حدیث چهارم کسی که عبارت «باسمک اللهم» را در ابتدای نوشته های خویش بکار می برد مجهول و ناشناخته است.

۴- در حدیث ششم مردم قریش در آغاز نوشته های خود عبارت «باسمک اللهم» را بکار می بردند تا اینکه آیهٔ ۴۱ سوره هود فرود آمد. سپس رسول خدا(ص) فرمود بجای آن «بسم الله» را بکار برند. بطوریکه در صفحه های پیش گذشت رسول خدا(ص) جز در مواردی اندک که از سیرهٔ ابراهیم(ع) تبعیت کرده هرگز به طور جدی از روش مردم مشرک قریش پیروی نکرده است.

۵- در حدیث هفتم آمده است که رسول خدا(ص) در آغاز کار خود نوشته‌هایش را با عبارت «باسمک اللهم» شروع می‌کردند تا اینکه آیه ۴۱ سوره هود فرود آمد... باید گفت که همه مکاتبات آن حضرت بعد از هجرت از مکه به مدینه صورت گرفته است.

۶- در حدیث هشتم آمده است که آیه «بسمله» در سه بخش و در سه مرحله کاملاً جدا از هم فرود آمده است... در این خبر هم هیچ اشاره‌ای به آداب و رسوم مردم قریش نشده است و از این رو با سایر اخبار در اختلاف است.

با توجه به آنچه گذشت، نظر گروه دوم نادرست و مردود است.

حال لازم است که در اطراف نظر اول گفتگو شود. بنابراین نظر، اغلب و اکثر مسلمانان بر این باورند که این آیه بطور کامل هم پیش از اسلام دست کم بر سلیمان بن داود(ع) (نمل / ۳۱) و هم بهمراه همه سوره‌های قرآن کریم (جز براءة) فرود آمده است. این نظر بشرحی که خواهد آمد از اعتبار و استحکام بیشتری برخوردار است.

۱- برقی در کتاب محاسن خود آورده است که هیچ کتابی از آسمان فرود نیامد مگر اینکه اول آن «بسم الله الرحمن الرحيم» بود. در مورد این خبر باید گفت برقی آنرا از حسن بن علی بن یوسف و او از هارون بن خطاب التمیمی و او از صفوان جمال و او نیز از امام صادق(ع) نقل کرده است، و آن خبری است صحیح زیرا اکثر علمای رجالی شیعه حسن بن علی بن یوسف را توثیق و بزرگانی چون کلینی و شیخ طوسی از او روایت کرده‌اند (خوئی، معجم رجال الحدیث، ۳۱۹/۵). هارون بن خطاب نیز ممدوح و مورد وثوق است؛ صفوان جمال از اصحاب امام جعفر صادق(ع) و امام موسی کاظم(ع) و بی‌نیاز از مدح و ثنا است (خوئی، همانجا، ۵۶۱/۹ - ۵۶۴).

۲- از آنجا که سوره نمل طبق مدارک معتبر بعد از حدود ۲۶ سوره از قرآن کریم فرود آمده است (ابن ندیم، ۲۸)، پس عدم نزول کامل آیه «بسمله» قبل از فرود آمدن آیه ۳۰ سوره نمل درست نیست زیرا بطوری که می‌دانیم همه سوره‌ها (جز توبه) مصدر به این آیه شریفه هستند و طبعاً سوره‌هایی که پیش از سوره نمل فرود آمده‌اند نمی‌توانند از این قاعده مستثنی باشند (رامیار، ۶۷۲).

۳- با در نظر گرفتن حدیث «لا صلوة الا بفاتحة الكتاب» (مسلم، ۲۸۴/۴؛ ابو داود، ۱۸۹/۱؛ ملا فتح الله کاشانی، ۲۲/۱)؛ و نیز با عنایت به حدیث دیگری که از رسول

خدا(ص) نقل شده «فاتحة الكتاب سبع آیات احدهن بسم الله الرحمن الرحيم» (طبرسی، ۱۹/۱؛ ترمذی، ۱۴/۲؛ حاکم، ۵۵۰/۱؛ قمی نیشابوری، ۸۳/۱؛ آلوسی، ۴۳/۱؛ سیوطی، الدر المنثور، ۲۱/۱؛ جزایری، ۱۳۶). چون مسلمانان از همان اوان ظهور اسلام مأمور به انجام نماز بوده و دراین باره سعی و اهتمام جدی داشته‌اند، پس آیه مذکور نمی‌تواند پس از فرود آمدن آیه ۳۰ سوره نمل نازل شده باشد.

۴- از ابن عباس نقل شده است که ما با فرود آمدن آیه «بسمله» نزول سوره جدید را می‌فهمیدیم (سیوطی، الدر المنثور ۷/۱؛ قمی نیشابوری، ۸۲/۱؛ فخر رازی، ۱۸۳/۱). از این قرار اگر آیه مذکور حتی دست‌کم علامت و نشانه‌ای برای جدایی سوره‌های قرآن هم بوده، نمی‌تواند پراکنده و جدای از هم در مراحل مختلف فرود آمده باشد.

۵- رسول خدا(ص) فرمود: هر کار مهمی که با «بسمله» شروع نشود ابتر و بی‌نتیجه است (سیوطی، الدر المنثور، ۷/۱؛ میدی، ۳/۱؛ بحرانی، ۴۶/۲؛ ابو الفتوح، ۵۰/۱). پس چگونه کتاب هدایت الهی و سوره‌های آن بخصوص سوره فاتحة الكتاب بدون بسمله فرود آمده است؟ مگر اینکه بگوییم حدیث خود جعلی است

۶- امام محمد باقر(ع) فرموده: آغاز همه کتابهای آسمانی «بسم الله الرحمن الرحيم» بوده است (فیض کاشانی، ۸۲/۱) و در جای دیگری فرموده گرامی‌ترین آیه از کتاب خدا را دزدیدند (عیاشی، ۱۰۰/۱؛ مجلسی، ۲۰/۸۲؛ سیوطی، الدر المنثور، ۸/۱). از آنجاکه قرآن کریم نیز از جمله کتابهای آسمانی و کاملترین آنهاست پس درباره مصدر بودن به «بسمله» نمی‌تواند از آنها مستثنی باشد.

۷- بطوریکه گذشت صفوان جمال از امام صادق(ع) نقل کرده است که هیچ کتابی از آسمان فرود نیامد مگر اینکه با «بسمله» شروع شده بود (بحرانی، ۴۲/۱؛ مجلسی، ۲۰/۸۲).

۸- محمد بن مسلم از امام صادق(ع) نقل کرده است که وقتی از او درباره سبع مثانی پرسیدم فرمود فاتحة الكتاب است، گفتم آیا «بسمله» هم جزء هفت آیه است فرمود آری برترین آنهاست (طوسی، ۲۸۹/۱؛ حویزی، ۸۱/۱). پیداست که سوره فاتحه پیش از هود فرود آمده است.

۹- از عبدالله بن عمر نقل شده است که رسول خدا(ص) هنگام قرائت فاتحة الكتاب

«بسمله» را نیز قرائت می‌کرد (اسفراینی، ۴۰/۱). از آنجا که رسول اکرم (ص) از همان ابتدای رسالت مأمور به اقامه نماز بوده و نماز هم بدون فاتحه درست نیست، پس «بسمله» نمی‌تواند پراکنده و در مراحل مختلف فرود آید و...

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مسائل دیگر در مورد «بسمله»

بدین قرار نزول کامل «بسمله» در اول هر سوره از قرآن کریم (جز براءت) قطعی و محرز است. حال در ادامه بحث موضوع اختلاف در جزئیت، آیه بودن یا نبودن آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- جزئیت آیه «بسمله» در قرآن کریم طی اخبار متواتر به دلایل زیر ثابت است:
اولاً «بسمله» کلام خداست که بر پیامبر اسلام (ص) و حتی پیش از او چنانکه گذشت دست کم بطور مختصر بر نوح (ع) و بطور کامل بر سلیمان (ع) وحی شده است (هود/۴۱؛ نمل/۳۰). سیوطی در (الاتقان، ۱/۱۱۴) می‌نویسد که از ابو مسیره نقل شده است این آیه در تورات نوشته شده بود.

ثانیاً «بسمله» بخط و رنگ سایر آیات قرآنی است و در همه مصاحف صحابه، چه پیش از اقدام عثمان به جمع‌آوری قرآن و چه پس از آن در مصحف امام و قرآنهایی که بعدها آماده و منتشر شد نوشته شده بود.

ثالثاً اجماع مسلمانان بر این است که هر چه بین الدفتین بوده از قرآن است و چون در هیچ زمانی و هیچ جایی قرآنی نبوده که «بسمله» در سر هر سوره آن (جز براءت) نیامده باشد پس آیه مذکور جزء قرآن است (فخر رازی، ۱/۲۰۳؛ سیوطی، الاتقان، ۱/۲۱۸).
رابعاً از آنجا که «بسمله» دست کم آیه‌ای از سوره نمل بوده و در همه قرآنها دیده می‌شود، پس جزئیت آن ثابت و غیر قابل انکار است.

۲- آیه بودن «بسم الله الرحمن الرحيم»

۱- از رسول خدا (ص) نقل کرده‌اند که فرمود: همه کتابهای آسمانی با «بسمله» شروع شده بود (سیوطی، الدر المنثور، ۱/۳۱).

۲- رسول خدا (ص) فرموده: سوره فاتحه الكتاب هفت آیه است و یکی از آنها «بسمله» است (ابن کثیر، ۱/۶؛ آلوسی، ۱/۴۰؛ بیضاوی، ۱/۹؛ طبرسی، جوامع الجامع،

۸/۱؛ جزایری، ۱۳۶).

۳- از ام سلمه (س) نقل کرده‌اند که رسول خدا (ص) در نمازهای خود چنین قرائت می‌کرد «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و...» (حاکم، ۲۳۲/۲؛ فخر رازی، ۲۰۱/۱؛ قمی نیشابوری، ۸۵/۱).

۴- ائمه شیعه و پیروان آنها اکثر قاریان و فقهای مکه و کوفه «بسمله» را در هر سوره جزء همان سوره و یکی از آیات آن به حساب آورده‌اند (طوسی، ۲۴/۱؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۸/۱؛ ملا فتح الله کاشانی، ۳۸/۱؛ شبّر، ۱۴/۱؛ شوکانی، ۲۰۰/۲؛ خوئی، البیان، ۴۶۷؛ عسکری، ۳۸/۲۵).

۵- شافعی و اکثر پیروان او «بسمله» را آیه‌ای از فاتحة الكتاب و همه سوره‌های قرآن (جز براءت) بحساب آورده‌اند (سیوطی، الاتقان، ۲۱۷/۱؛ آلوسی، ۳۹/۱؛ میدی، ۳/۱؛ فخر رازی، ۱۹۴/۱؛ نسفی، ۳/۱). این خبر را به عبدالله بن عمر نیز نسبت داده‌اند (سیوطی، الدر المنثور، ۲۶/۱؛ ابن سعد، ۸/۱).

۶- انس بن مالک گفته: روزی رسول خدا (ص) در میان ما نشسته بود، خوابش برد. پس از مدت کوتاهی در حالی که تبسمی بر لب داشت از خواب بیدار شد. علت خنده او را پرسیدیم فرمود هم اکنون سوره‌ای بر من فرود آمد و شروع به قرائت سوره جدید کرد: «بسم الله الرحمن الرحيم، انا اعطیناک الکوثر... (مسلم، ۳۰۰/۱؛ نسائی، ۱۳۳/۲؛ ابوداود، ۲۰۶/۱؛ بیهقی، ۴۳/۲).

۳- قرائت «بسمله» در نمازها

درباره نحوه قرائت «بسم الله الرحمن الرحيم» در روایات اختلاف نظر وجود دارد، برخی به استناد روایاتی خواندن آشکار آن را جایز نمی‌دانند (شوکانی، ۲۰۰/۱). در صورتی که روایات صحیح در شیعه و سنی بر قرائت آن به جهر استوار است از جمله:

۱- از علی (ع)، ام سلمه و عایشه نقل شده است که رسول خدا (ص) «بسمله» را در نمازهای خود بلند قرائت می‌کردند (سیوطی، الدر المنثور، ۲۸/۱؛ فخر رازی، ۲۱۰/۱).

۲- از شعبی روایت شده است که گفته: علی (ع) را دیدم پشت سرش تمار خواندم و شنیدم که «بسمله» را بلند قرائت می‌کرد (عسکری، ۴۲/۲).

۳- ابوهریره گفته است که: رسول خدا (ص) در نمازهای خود «بسمله» را بلند قرائت

می‌کرد (سیوطی، الدر المنثور، ۲۷/۱؛ حاکم، ۲۳۳/۱).

۴- عبدالله بن عمر گفته است پشت سر رسول خدا(ص)، ابوبکر و عمر نماز خواندم در حالی که همگی آنها «بسمله» را بلند قرائت می‌کردند (سیوطی، الدر المنثور، ۲۸/۱).

سخن آخر

بطوریکه مشاهده شد، رسول خدا(ص) و همه خلفای راشدین و صحابه «بسمله» را در نمازهای خود بلند قرائت می‌کردند. جز معاویه که از قرائت این آیه شریفه سر باز زده و مردم شام نیز در این باره از او پیروی می‌کردند. از شافعی نقل شده است که انس بن مالک گفته: معاویه وارد مدینه شد و در مسجد پیامبر(ص) به نماز ایستاد و عده زیادی از مهاجرین و انصار با او اقتداء کردند. او در آن نماز بروش معمول خود از قرائت «بسمله» خودداری کرد، پس از پایان نماز سر و صدای اعتراض مهاجرین و انصار از گوشه و کنار مسجد برخاست که معاویه «بسم الله الرحمن الرحيم» را دزدیدی یا فراموش کردی؟ تا جایی که مجبور شد نماز را اعاده یا طبق خبر دیگری آنرا در نماز بعدی قرائت کند (شافعی، ۱۲۹/۱؛ فخر رازی، ۲۰۹/۱؛ سیوطی، الدر المنثور، ۲۷/۱؛ طبری، ۳۸۰-۳۸۱/۱؛ آلوسی، ۴۱-۴۶؛ حاکم، ۲۳۳/۱). این حادثه چه به عمد و چه از سر اشتباه ظاهراً موجب بروز سر و صدا و باعث نگرانی سران بنی امیه شد ولی آنها برای زدودن ننگ این رسوایی و پیراستن دامن خود از این بی‌آبرویی به انجام دو کار مبادرت ورزیدند. اولاً برای توجیه عادی بودن فراموشی قرائت «بسمله» در آن نماز احادیثی دروغی توسط ابوهریره و دیگران مبنی بر اتساع برخی اشتباهات بزرگتر و شدیدتر از این به رسول خدا(ص) ساخته و در میان مردم منتشر کردند، تا موضوع را بسیار معمولی و پیش پا افتاده وانمود کرده و به همه آن شایعات پایان و حساسیت و هیجان موقتی مردم مدینه را مهار نمایند (برخی از قرائن مطلب را بنگرید: بخاری، صحیح بخاری، ۶۵/۱؛ مسلم، ۵۸/۵؛ ابن حنبل، ۳۸۶/۲).

ثانیاً برای ایجاد شبهه در اصل مطلب، جزئیت آیه «بسمله» در قرآن را زیر سؤال برده و در این باره نیز به جعل اخباری متناقض و ضد و نقیض در حقانیت آیه بودن یا عدم حقانیت آن دست زده (خوئی، البیان، ۴۴۰-۴۴۸) و به ترویج و اشاعه آن پرداختند، تا به

حکم اینکه هر چیزی که مورد اتفاق این امت نباشد مردود است، این اختلاف ساختگی را دست آویز عدم جزئیت آیه مذکور در قرآن قرار داده و روش معاویه را در عدم قرائت آن در نماز کاری معقول و قرین احتیاط جلوه دهند (عسکری، ۶۱/۲).

کتابشناسی

قرآن کریم

- آلوسی، شهاب الدین، روح المعانی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
- ابن اثیر، علی، اسد الغابة، بیروت، ۱۳۷۷ق.
- ابن حجر، احمد، الاصابة، بیروت، ۱۳۵۹ق.
- ابن حنبل، احمد، مسند، بیروت، بی تا.
- ابن سعد، محمد، طبقات الکبری، بیروت، بی تا.
- ابن عربی، محی الدین، فتوحات مکیه،
- ابن کثیر، اسماعیل، تفسیر، بیروت، ۱۹۹۱م.
- همو، البدایة و النهایة، بیروت، ۱۹۸۸م.
- ابن ندیم، محمد، الفهرست، قاهره، بی تا.
- ابن هشام، عبدالملک، سیره نبوی، بیروت، بی تا.
- ابوالفتوح رازی، حسین، تفسیر ابوالفتوح، مشهد، ۱۳۷۱.
- ابوداود، سلیمان، سنن، بیروت، ۱۹۹۰م.
- ابوالسعود، محمد، تفسیر ابی السعود، بیروت، بی تا.
- اسفراینی، شاهفور، تفسیر، تهران، ۱۳۷۵.
- بحرانی، هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت، ۱۹۹۲م.
- بخاری، محمد، صحیح بخاری، بیروت، ۱۹۸۷م.
- همو، کتاب تاریخ الکبیر، بیروت، بی تا.
- برقی، احمد، محاسن، قم، بی تا.
- بیضاوی، عبدالله، انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیروت، ۱۹۸۷م.
- بیهقی، احمد، سنن الکبری، بیروت، ۱۹۹۲م.
- ترمذی، محمد، سنن ترمذی، بیروت، ۱۹۸۲م.

- تستري، محمد تقى، قاموس الرجال، قم، ١٤١٥ق.
- جزايرى، سيد نعمت الله، لوامع الانوار فى شرح عيون اخبار الرضا، نسخه خطى، كتابخانه آستان قدس رضوى.
- جزى الكلبي، محمد، تفسير، بيروت، ١٩٨٣م.
- حاكم، محمد، المستدرک، بيروت، بى تا.
- حسن زاده آملی، حسن، هزار و يك نكته، تهران، ١٣٦٥.
- حويزى، عبدالعلى، نور الثقلين، قم، ١٣٧٠.
- خوئى، ابو القاسم، البيان فى تفسير القرآن، نجف، ١٩٦٦م.
- همو، معجم رجال الحديث، بيروت، بى تا.
- درويش، محمود، اعراب القرآن الكريم و بيانه، حمص، ١٩٨٨م.
- راميار، محمود، تاريخ قرآن، تهران، ١٣٦٢.
- زمخشري، محمود، الكشاف، بيروت، ١٩٨٧م.
- سيوطى، عبدالرحمن، الدر المنثور، بيروت، ١٩٩٠م.
- همو، الاتقان فى علوم القرآن، بيروت، ١٩٩٧م.
- شافعى، محمد، الام، بيروت، بى تا.
- شبر، عبدالله، تفسير القرآن الكريم، قم، ١٤١٠.
- شوكانى، محمد، نيل الاوطار، بيروت، ١٩٧٣م.
- شيبانى، حسن، نهج البيان، تهران، ١٤١٣ق.
- صافى، محمود، الجدول فى اعراب القرآن و صرفه، بيروت، ١٩٨٨م.
- صولى، محمد، ادب الكتاب، بيروت، ١٣٤١ق.
- طبرى، فضل، مجمع البيان فى تفسير القرآن، بيروت، بى تا.
- همو، جوامع الجامع، قم، ١٣٧٦.
- طبرى، محمد، جامع البيان فى تفسير القرآن، بيروت، ١٩٨٩م.
- طوسى، محمد، التبيان فى تفسير القرآن، بيروت، بى تا.
- عسكرى، مرتضى، القرآن الكريم و روايات المدرستين، تهران، ١٤١٦ق.
- عياشى، محمد، تفسير عياشى، بيروت، ١٩٩١م.

- فخررازی، محمد، مفاتیح الغیب، بیروت، ۱۹۹۰م.
- فیض کاشانی، محسن، صافی، بیروت، ۱۹۸۲م.
- قرطبی، محمد، الجامع لاحکام القرآن، بیروت، ۱۹۸۵م.
- قمی نیشابوری، محمد، غرایب القرآن و رغایب الفرقان، مصر، ۱۹۶۲م.
- کاشانی، ملا فتح الله، منهج الصادقین، تهران، ۱۳۴۷.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، ۱۹۸۳م.
- مسلم، صحیح مسلم، بیروت، ۱۳۴۹ق.
- مبیدی، ابو الفضل، کشف الاسرار، تهران، ۱۳۷۱.
- نسائی، احمد، سنن، بیروت، بی تا.
- نسفی، عبدالله، تفسیر نسفی، استانبول، بی تا.
- واحدی، علی، اسباب النزول القرآن، بیروت، ۱۹۹۱م.
- یعقوبی، احمد ابن واضح، تاریخ یعقوبی، بیروت، ۱۹۹۳م.